



عاشقانه‌ها

اشعار عاشقانه‌ی ایرانی

همراه با تصاویری از گنجینه‌ی موزه‌ی بریتانیا

و ستا سرحوش کرتیش

سیلا آر. کنی



موسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر

PERSIAN LOVE POETRY

with magnificent images from
the British Museum's world-famous collections

تومان

ISBN 978-600-5191-71-4



9786005191714



Nazar Research and Cultural Institute



اشعار عاشقانه‌ی ایرانی





اشعار عاشقانه‌ی ایرانی

همراه با تصاویری از گنجینه‌ی موزه‌ی بریتانیا

وستا سرخوش کرتیس

شیلا آر. کنبی



موسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر

سرشناسه: کرتیس، وستا، ۱۳۳۰ - م.، گردآورنده Curtis, Vesta S.
عنوان و نام پدیدآور: عاشقانه‌ها: اشعار عاشقانه ایرانی [گردآورنده] وستا
سرخوش کرتیس و شیلا آر. کنبی؛ مترجم فاطمه کاوندی
مشخصات نشر: تهران، نظر، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری: ۹۶ ص: مصور (رنگی).

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۹۱-۷۱-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: فارسی - انگلیسی

موضوع: شعر فارسی - ترجمه شده به انگلیسی - مجموعه‌ها

موضوع: شعر انگلیسی - ترجمه شده به فارسی - مجموعه‌ها

موضوع: شعر عاشقانه فارسی - مجموعه‌ها

موضوع: مینیاتور ایرانی

شناسه افزوده: کنبی، شیلا

شناسه افزوده: Canby, Sheila R.

شناسه افزوده: کاوندی، فاطمه، ۱۳۴۷ - مترجم

رده‌بندی کنکره: ۱۳۸۸ کک۴/الف/۴۰۴۹ PIR

رده‌بندی دیویی: ۸۸۱/۰۸

شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۹۸۶۳۵

کتاب عاشقانه‌ها براساس قرارداد رسمی با موزه‌ی بریتانیا در ایران منتشر می‌شود. این حقوق دربردارنده‌ی حق انتشار در تمامی کشورهای فارسی‌زبان و عربی است. هرگونه استفاده از تصاویر و یا متن کتاب تنها با مجوز کتبی موسسه فرهنگی، پژوهشی چاپ و نشر نظر می‌باشد.



© موسسه فرهنگی، پژوهشی چاپ و نشر نظر

تهران، خیابان ایرانشهر جنوبی، کوچه‌ی شریف، شماره ۲

تلفن: ۸۸۸۴۳۲۹۴ - ۸۸۸۲۸۹۰۳

www.nazarpub.com

info@nazarpub.com

عاشقانه‌ها

اشعار عاشقانه‌ی ایرانی

همراه با تصاویری از گنجینه‌ی موزه‌ی بریتانیا

وستا سرخوش کرتیس، شیلا آر. کنبی

انتخاب اشعار و ترجمه به انگلیسی: وستا سرخوش کرتیس

آماده‌سازی و ترجمه‌ی متن‌ها به فارسی: فاطمه کاوندی

صفحه‌آرایی و طرح روی جلد: حسین فیلی‌زاده

پیش از چاپ: سعید کاوندی

ناظر چاپ و مدیر تولید: مهدی ابراهیم

امورآماده‌سازی و انتشار: مؤسسه‌ی چاپ و نشر نظر

چاپ دوم: تهران ۱۳۹۷

شمارگان: ۳۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۹۹-۵۱۹۱-۷۱-۴

هرگونه بهره برداری از تصاویر کتاب منوط به کسب اجازه‌ی کتبی از ناشر می‌باشد.

© تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.



برای درک هنر شعر
سفر به سرزمین شعر بایست
برای شناخت شاعر
سفر به زادگاه او

اینها ابیاتی از *دیوان شرقی - غربی* گوته (۱۸۳۲-۱۷۴۹) شاعر آلمانی است که بین سال‌های ۱۸۱۳-۱۸۱۵ سروده شده. گوته بسیار تحت تأثیر فلسفه و شعر پارسی که در اواخر قرن هجدهم میلادی به زبان‌های فرانسه و آلمانی ترجمه شده بودند، قرار گرفت. او در بسیاری از اشعار خود، شاعران پارسی و اشعار عاشقانه‌ی آنها را ستوده است، اما در بین همه‌ی آنها ارادت و احترام ویژه‌ای که برای حافظ (۱۳۹۰م/۷۹۲ه.ق) قائل بود کاملاً مشهود است.

بازدیدکنندگان غیر ایرانی که از آرامگاه شاعران پارسی‌گوی چون سعدی و حافظ در شیراز دیدن می‌کنند اغلب از حضور تعداد بی‌شمار بازدیدکنندگان پیر و جوانی که از نقاط مختلف ایران برای ادای احترام به این دو شاعر مردمی و پرآوازه‌ی کشورشان به آنجا آمده‌اند، متعجب می‌شوند. از دیگر مراکز مورد توجه مردم می‌توان به آرامگاه فردوسی در طوس و عمرخیم در نیشابور، که هر دو در شرق ایران واقع شده‌اند اشاره کرد.

با گذشت بیش از هزاران سال، هنوز مردم اشعار این شاعران بزرگ را از بر می‌خوانند و به راحتی با آنها ارتباط برقرار می‌کنند. شعر بخشی از زندگی روزمره‌ی اغلب ایرانی‌هاست، ما پیوسته تحت تأثیر نام‌هایی چون رودکی، فردوسی، عمرخیم، سعدی، حافظ، مولوی، نظامی و بسیاری دیگر از این شخصیت‌های بزرگ هستیم. شعر راهی برای بیان احساسات، افکار و پاسخی به پرسش‌ها و گاه مشکلاتی است که بر سر راه انسان‌ها قرار می‌گیرد. شعر برای ایرانیان و دیگر پارسی‌زبانانی که در پی رسیدن به آرامش و لذت نه تنها در زبان شعر بلکه در فلسفه‌ی شعر و شیوه‌ی زندگی و همینطور هدف‌های والاتری چون برخورداری از نگاه عارفانه (صوفیانه) به دنیا، رسیدن به کمال و نزدیکی به پروردگار از طریق عشقی پرشور همراه با از خود گذشتگی هستند، بسیار لذت‌بخش و دلپذیر است. زبان اشعار عاشقانه، همانطور که در آثار سه شاعر بزرگ مولوی، (۱۲۷۳م/۶۷۱ه.ق)، سعدی (۱۲۹۲م/۶۹۱ه.ق) و حافظ و بسیاری دیگر دیده می‌شود، پرشور و احساس،

خیال‌انگیز و توأم با رمز و راز است. در این اشعار اغلب تمیز دادن عشق عرفانی از عشق زمینی ناممکن به نظر می‌آید. زبان این اشعار مانند موسیقی، موزون است به طوری که اغلب اشعار عرفانی مثنوی سروده‌ی مولانا در آوازه‌های کلاسیک فارسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در عین حال وجود نوعی شوخ‌طبعی و حس همدردی در این اشعار موجب شده تا برای خوانندگان امروزی نیز جذاب بوده و درک مفاهیم و برقراری ارتباط با آنها میسر باشد.

زبان

با وجود غلبه‌ی اعراب بر سلسله‌ی ساسانیان ایران در اواسط قرن هفدهم میلادی، و انتخاب دین اسلام به عنوان دین جدید به جای آئین زرتشت، زبان «هندواروپایی» پارسیان به واسطه‌ی علاقمندی به زبان تازه‌واردان کنار گذاشته نشد، بلکه رفته‌رفته زبان «پارسی میانه» دوران ساسانیان تغییر شکل داده و تبدیل به زبانی شد که به آن «پارسی نو» یا «فارسی» می‌گویند و واژه‌های آن با واژه‌های عربی در هم آمیخت. این فرم‌های جدید جهت خلق شعر پارسی به وجود آمدند.

دو قرن پس از استیلای اسلام بر ایران، حکمرانان محلی در پارس، در ظهور پارس نو و احیای فرهنگ و تمدن کهن فعالانه کوشیدند. در قرن دهم میلادی سامانیان که از تبار پادشاهان ساسانی پیش از اسلام بودند در آسیای مرکزی بخارا و سمرقند (ازبکستان امروزی) ساکن شدند. آنها فرهنگ و رسوم کهن پارس را احیا کرده و از تغییرات زبان بومی و گویش‌های محلی به گویش ادبی جدیدی که «پارسی نو» نام گرفت، حمایت کردند. در دربار سامانیان در سمرقند بود که پدر شعر پارسی، شاعر نابینا، رودکی (۳۲۹/م ۹۴۰ ه.ق) اشعار گرانبارش را سرود.

تا قرن نوزدهم میلادی، منطقه‌ی جغرافیایی که مردمانش به زبان پارسی سخن می‌گفته‌اند بسیار وسیع‌تر از ایران امروز بوده است. با سقوط امپراطوری‌های عثمانی، صفویه و مغول‌ها در قرن هجدهم و نوزدهم میلادی، استفاده از زبان پارسی منحصر به ایران، افغانستان و تاجیکستان شد.

قالب‌های شعری

غزل: شعر کوتاهی که بین ۷ تا ۱۵ بیت دارد و همه‌ی ابیات آن دارای قافیه‌ای یکسان هستند. معمولاً مضای شاعر در آخرین بیت غزل می‌آید. غزل در واقع مشابه «سانت» در زبان‌های خارجی است که در آوازه‌ها به کار می‌روند. غزل، مظهر شعر پارسی است.

مثنوی: شعری طولانی که قافیه‌های آن در هر بیت با بیت بعدی متفاوت است و معمولاً برای بیان

داستان و یا پند و اندرز و نکات آموزشی به کار می‌رود. قصیده: شعر قافیه‌دار بسیار بلندی که دو مصراع بیت اول آن با مصراع‌های دوم بقیه‌ی ابیات هم‌قافیه‌اند. این قالب شعری بیشتر در اشعار درباری و به منظور مدح و ستایش شاعر از حامی و پشتیبانش به کار می‌رفته است. قطعه: شعر قافیه‌داری که معمولاً بین ۳ تا ۲۰ بیت دارد و مضمون آن موضوعات اجتماعی، طنز، هجو و نکات اخلاقی است. رباعی: شعری چهاربیتی است و از معروف‌ترین رباعی‌ها می‌توان از اشعار عاشقانه و فلسفی شاعر بزرگ، عمر خیام نام برد. دو بیتی: گونه‌ای از رباعی که بیشتر در اشعار مردمی دیده می‌شود.

تاریخ و افسانه

علاقه به افسانه‌های ایران پیش از اسلام که تا قرن‌ها پس از غلبه‌ی اعراب بر ایران ادامه داشت، در اواخر قرن دهم و یازدهم میلادی به اوج خود رسید؛ یعنی زمانی که در سال ۱۰۱۰ میلادی فردوسی، داستان *شاهنامه*ی خود را به پایان رساند. این کتاب که سرگذشت شاهان ایرانی است بر اساس داستان‌ها و حکایات کهن تاریخی خصوصاً سرگذشت افراد بلندپایه‌ی سلسله‌ی ساسانیان که در کتابی به نام *خدای‌نامه* آمده بود، تنظیم شده است. نسخه‌ی اصلی آن که به زبان پهلوی یا پارسی میانه بوده، ابتدا به زبان عربی و سپس در اواسط قرن هجدهم میلادی به زبان پارسی برگردانده شده است. خلق شاهکار حماسی فردوسی با بیش از ۵۵۰۰۰ بیت در زمان حکومت سامانیان آغاز شد اما در دوران حکومت سلسله‌ی بعد یعنی غزنویان (۱۱۶۰-۱۱۹۷/۸م-۵۵۵-۳۶۷.ق) به پایان رسید. بخش اول *شاهنامه* به پادشاهان اساطیری شرق ایران در زمان رونق ادبیات دینی زرتشتی پیش از اسلام می‌پردازد. بخش دوم آن به پهلوانان باستان می‌پردازد که معروف‌ترینشان قهرمان آبرناسانی به نام رستم پسر زال و نوه‌ی سام نریمان است که از مرزهای کشور و جان پادشاه پادشاهان در مقابل افراسیاب، دشمن خارجی ایران دفاع می‌کند. از خودگذشتگی رستم برای حکومت به اندازه‌ای بود که همه‌چیز را فدای دفاع از آن می‌کرد؛ از جمله کشتن پسرش سهراب در جنگ، هرچند نمی‌دانست او پسرش است. این داستان تراژیک، الهام‌بخش شاعر قرن نوزدهم میلادی ماتئو آرنولد برای داستان *رستم و سهراب* شد.

قسمت سوم و آخر *شاهنامه*، بیانگر تاریخ ایران در زمان سلطه‌ی سلسله‌ی ساسانیان از اردشیر اول

(۴۱-۲۲۴م) تا آخرین پادشاه این سلسله، یزدگرد سوم که با حمله‌ی اعراب به ایران در سال ۶۵۲ میلادی به هلاکت رسید، می‌باشد.

داستان *ویس و رامین* نوشته‌ی فخرالدین گرگانی در قرن یازدهم میلادی یکی دیگر از داستان‌هایی است که براساس حکایات کهن نوشته شده و احتمالاً به دوره‌ی اشکانیان در قرن اول میلادی باز می‌گردد. گرگانی (۱۰۵۰ م / ۴۴۲ ه.ق)، خود در ابیات آغازین *ویس و رامین* شرح می‌دهد که اصل این داستان به دوران پهلوی (پارس میانه) بازمی‌گردد. شاعر به احتمال زیاد نثری حماسی و عاشقانه را به شعری رومانتیک با وزن و قافیه برگردانده است. در این داستان رامین که عاشق زنی به نام ویس بوده برای نشان دادن عشق و علاقه‌ی خود به او، چنگ می‌نواخته است. بسیاری دیگر از داستان‌های عاشقانه‌ی کهن به زبان پارسی‌نو بازنویسی شده‌اند که شامل داستان‌هایی درباره‌ی پادشاه ساسانیان خسرو پرویز دوم (۶۲۸-۵۹۰م) و همسر مسیحی‌اش شیرین می‌شود که حکایت آنها در *شاهنامه‌ی فردوسی* و *خمسه‌ی نظامی گنجوی* (۱۲۱۷م / ۶۱۳ ه.ق) هم آمده.

جامی (۱۴۹۰م / ۸۹۵ ه.ق) متولد خراسان در شرق ایران است. او که پیرو سبک نظامی بود، چندین حماسه‌ی عاشقانه سروده که معروف‌ترین آنها *یوسف و زلیخا* است. اثر دیگر او که کمتر شناخته شده *سلامان و آبسال* نام دارد که بر اساس داستانی قدیمی سروده شده و ادوارد فیتز جرالده، که شهرت او بیشتر برای ترجمه‌ی رباعیات عمر خیام است، این قصه‌ی عاشقانه را در سال ۱۹۰۴ به زبان انگلیسی و به صورت شعر قافیه‌دار برگردانده است.

با پایان یافتن حکومت ایل‌خانان مغول (۱۳۳۶-۱۲۵۶م / ۷۳۷-۶۵۴ ه.ق) و تیموریان (۱۴۹۵-۱۳۷۰م / ۸۹۹-۷۷۱ ه.ق) و برقراری حکومت صفویه (۱۷۳۶-۱۵۰۱م / ۱۱۴۸-۹۰۷ ه.ق)، شعر پارسی به سوی خاور و دربار بزرگ امپراتور مغول در هند نقل مکان کرد.

در قرن نوزدهم هجری، در دوران قاجاریه، حکمرانان ایرانی علاقه‌ی خاصی به *شاهنامه* و داستان‌های آن درباره‌ی شاهان قدیم نشان می‌دادند به ویژه آنکه می‌خواستند خودشان را وارث و دنباله‌رو پیشینیان نشان دهند. یکی از شاعران معروف در این دوران شاهزاده‌ای قاجار به نام ایرج میرزا (۱۸۷۴-۱۹۲۶م) بود که اشعار عاشقانه‌اش اغلب صریح و بی‌پرده بودند.

شاعران زن

شعر پارسی امروز، سبک‌های سنتی را کنار زده و به شعر آزاد رو آورده و شاعران برجسته‌ی بسیاری

در این عرصه مشغول فعالیت هستند. در میان این شاعران، به نام زنان برجسته‌ای همچون پروین اعتصامی (۱۹۰۶-۴۱)، فروغ فرخزاد (۱۹۳۵-۶۷) و سیمین بهبهانی (۱۹۲۸-) برمی‌خوریم. و البته در این بین بسیاری هستند که همچنان از سبک‌های قدیمی که به قرن نهم میلادی برمی‌گردد، پیروی می‌کنند. در آثار شاعران زن قرن بیستم میلادی حس اعتراضی شدید و نیز احساس تعهد فردی به چشم می‌خورد که گویی بازتاب صداهاى متعدد دوران‌های پیشین خویش است.

رابعه فزداری، شاعره‌ای پراحساس و شجاع در قرن دهم میلادی بود که عشقی پرشور به یک برده داشت. رابعه با ترک همسر و خانواده، همراه عشق خود گریخت و به خاطر آن با مجازات مرگ روبرو شد.

مهستی گنجوی، نام واقعی‌اش منیژه بود اما پدر، او را به دلیل زیبایی‌اش مهستی (چون ماه هستی) می‌خواند. مهستی از جایگاه پراهمیتی در دربار حاکم سلجوقیان، سلطان سنجر (۵۸-۱۱۱۸م/۵۲-۵۱۱ ه.ق) برخوردار بود.

جهان ملک خاتون، شاعره‌ی قرن چهاردهم میلادی، هم‌دوران با حافظ و برخاسته از خانواده‌ای اشرافی بود. شهرت او بیشتر به واسطه‌ی دیوان اشعارش است.

سعدی شاعر قرن سیزدهم میلادی، مجموعه آثار منشور خود را *گلستان* و مجموعه اشعارش را *بوستان* نامید. سعدی در مقدمه‌ی *گلستان*، شعر را به نقاشی‌های مانی، پیامبر قرن سوم میلادی که هنرمندی شایسته بود، تشبیه می‌کند. او خود درباره‌ی *گلستان* می‌گوید:

از گلستان من ببر ورقی
وین گلستان همیشه خوش باشد

به چه کار آیدت ز گل طبقی
گل همین پنج روز و شش باشد

شادی به غم توام زغم افزون است
هجراتش چنین است وصالش چونست
رودکی

با آن که دلم از غم هجرت خونست
اندیشه کنم هر شب و گویم یارب

Although my heart is full of the sorrow of separation,
Joy mixed with your sorrow increases my unhappiness.
Every night I think of you and say, oh Lord:
Here is separation and there is connection.

Rudaki

جوان زانو زده با جام شرابی در دست، به امضای معین مصور، دوران صفویه، ایران، اصفهان، ۱۰۴۷هـ ق، ۱۶۶۳-۴ م، آبرنگ مات و طلا روی کاغذ. در سال‌های ۱۶۶۰ میلادی این فیگور، یعنی حالت زانو زدن، از ویژگی‌های خاص نقاشان ایرانی بود. این اثر از اولین نمونه‌های این نوع نقاشی‌ها در اواخر قرن پانزده و اوایل قرن شانزده میلادی است. مانند اغلب تصاویری که موضوع آنها می و میخواره‌گان هستند، در این تصویر نیز مرد جوان به جایی دور خیره شده گویی در خیال یارِ غایب خویش است.

Kneeling youth with a wine cup, signed by Mu`in Musavvir, Safavid Iran, Isfahan, dated AH 1[0]74 /AD 1663-4. Opaque watercolour and gold on paper. By the 1660s, kneeling figures in this pose were almost a standard feature of Persian painting. This image relies on a series of prototypes dating from the 1580s and early 1600s. As in many other portraits of wine drinkers, the figure gazes into the distance as if imagining an absent loved one.



کوشش بسیار نامد سودمند
کی توان کردن شنا ای هوشمند
بس که بیسندی باید ناپسند
زهر باید خورد و انگارید قند
کز کشیدن تنگتر گردد کمند
رابعه

عشق او باز اندر آوردم به بند
عشق دریایی کرانه ناپدید
عشق را خواهی که تا پایان بری
زشت باید دید و انگارید خوب
توسنی کردم ندانستم همی

At last I was recaptured by his love
Resisting had no effect
Love is like an ocean without a shore
How can one swim there, oh wise one?
Love must be taken right to the end
Many unsuitable things must be accepted
Ugliness must be seen as if it were good
Poison must be taken as if it were sugar
I was disobedient and did not understand:
The harder you pull, the tighter the rope.

RABA'A

جوان نشسته در حال شعرخوانی، به امضای رضا عباسی، دوران صفویه، ایران، اصفهان، ۱۶۲۵ م. آبرنگ
مات، طلا و جوهر روی کاغذ. براساس پرتوی واقعی، اثر محمد هراتی نقاش اواخر قرن شانزدهم میلادی.
این تصویر به دستور شاه عباس اول (۱۶۲۹-۱۵۸۷) تهیه شده است. پارچه‌ی زربفت ردای مرد جوان نشان
از موقعیت اجتماعی بالای او دارد، در حالی که چهره‌ی خمارش بیانگر ژرفاندیشی او در شعر یا معشوق
غائب‌اش است.

Seated youth reading poetry, signed by Riza-yi `Abbasi, Safavid Iran, Isfahan, c. AD 1625.
Opaque watercolour, gold and ink on paper. Based on an original portrait by the late-16th-
century painter Muhammadi of Herat, this work was produced on the order of Shah `Abbas
I (r. 1587-1629). The youth's gold brocade cloak signals his courtly status, while his dreamy
expression implies that he is contemplating the poetry or an absent lover.



چو المار فربا کایا ساشرف آید سالی علی ایست کار اسپا ساجدی
نقد الله مکر ایست
مشرق و مریز کردید
رزم کینه عبا
هرانی عدلیقه
للغفره